

علیرضا پناهیان | دوره‌ای مختصر از مباحث معنوی و اخلاقی - ۲

چرا در دینداری، همیشه مجبوریم با امیال طبیعی خود مبارزه کنیم؟ (۱)

کتاب «شهر خدا؛ رمضان و رازهای روزه‌داری» اثر حجت الاسلام پناهیان اخیراً به چاپ هفتم رسید. یکی از اولین نکاتی که پس از مرور فهرست و متن کتاب «شهر خدا» متوجه می‌شوید این است که این کتاب صرفاً دربارهٔ اسرار و آداب ماه رمضان نیست؛ بلکه به تناسب رازهای این ماه، به برخی پرسش‌های کلیدی جوانان پاسخ می‌دهد و عملاً «دوره‌ای مختصر از مباحث معنوی و اخلاقی» را ارائه کرده است. و البته ناشر در ابتدای کتاب به این نکته اشاره کرده است. در روزهای گذشته، بخش اول تا سوم گزیدهٔ این کتاب که مستقیماً به سؤالاتی در مورد ماه رمضان پاسخ می‌داد با عنوان کلی «رازهای روزه‌داری» منتشر شد. اکنون در روزهای پایانی این ماه معنویت و عبادت، گزیده‌هایی از مباحث معنوی و اخلاقی این کتاب را طی چند شماره و با عنوان «دوره‌ای مختصر از مباحث معنوی و اخلاقی» منتشر می‌کنیم. **قسمت دوم از این مجموعه را در ادامه می‌خوانید:**

مقابله با امیال طبیعی، چه اثری در تربیت انسان دارد؟

اینجا به روش تربیتی خاصی می‌رسیم که آن‌هم برای درک تأثیر تربیتی رمضان بسیار مفید است و آن اینکه: با توجه به ساختار طبیعی وجود انسان، روزه نوعی مقابله با امیال طبیعی است و ما در جریان روزه گرفتن به یک نوع ریاضت و خودداری می‌پردازیم و با خواست خود مقابله می‌کنیم. این کار تا چه حدی در تربیت انسان مؤثر است؟

روزه، مقابله با ابتدایی‌ترین امیال و نیازها

روزه از ما می‌خواهد که با امیال طبیعی خود، همچون گرسنگی و تشنگی، مقابله کنیم. یعنی در طول روز، نخوریم و نیشامیم. سایر احکام دینی هم بعضاً از ما می‌خواهند که با برخی از امیال طبیعی خود مقابله کنیم، اما این امر در مورد روزه تفاوتی اساسی دارد و آن اینکه در روزه باید با ابتدایی‌ترین علاقه‌ها و نیازهای خودمان مبارزه کنیم.

سایر روش‌های تهذیب نفس و جایگاه این روش

باید توجه داشته باشیم که مقابلهٔ انسان با خواسته‌های خودش یک راه و روش برای رشد و کمال است که در مقایسه با راه‌های دیگر از اهمیت بیشتری در تهذیب نفس و تطهیر روح برخوردار می‌باشد. اگر بخواهیم راه‌های دیگر غیر از مقابله با هوای نفس را برای آشنایی به عنوان نمونه ذکر کنیم باید به روش‌هایی از قبیل: ارضاء صحیح خواسته‌های انسان و جهت دهی به آنها، تمرین عملی و تعیین عادت، تعافل و گریز از موقعیت، و نمونه‌هایی از این دست اشاره کرد؛ که هر یک از جایگاه ارزشمندی در مسیر تربیت برخوردار می‌باشند.

اما گاهی هم باید ایستاد و به نفس «نه» گفت و از تأمین خواهش‌های او سر باز زد، تا رشد و تربیت‌یافتگی تحقق پیدا کند. اما چرا در مسیر دینداری به چنین روشی برای رشد نیاز داریم؟ پاسخ را با مقدمه‌ای در باب ضرورت و معنای تربیت آغاز می‌کنیم.

معنای تربیت و ضرورت آن

می‌دانیم که تربیت‌یافتگی یعنی قدرت پیدا کردن برای انعطاف داشتن و عکس‌العمل مناسب نشان دادن در موقعیت‌های گوناگون. اگر هر کس همان‌گونه که بوده است بماند، خوب یا بد، و «تواند» در هر شرایطی وضع خود را متناسب با آن شرایط تغییر دهد، این فرد تربیت شده نیست؛ هر چند بسیاری از اوقات، خوب رفتار کند. «تربیت» یا «تغییر» هم‌خانه است.

بسیاری از اوقات ما آدم‌ها تنها با همان خوبی‌هایی که با آن زاده شده‌ایم زندگی می‌کنیم و تمام عمر از اریئهٔ صفات خوب پدری و مادری استفاده می‌کنیم. آن وقت اسم آدم‌حسابی هم روی خودمان می‌گذاریم. در حالی که آدم‌حسابی کسی است که حسابی خود را تغییر و تکامل داده باشد و و در این راه حساب خود را رسیده باشد.

مقاومت‌هایی که در مسیر تربیت شکل می‌گیرد

خوبی‌های موروثی و غیر اکتسابی ما، دلیل خوبی برای خوبی ما نیست. آدم خوب یعنی آدم خودساخته و تغییر یافته. به این ترتیب وقتی می‌خواهیم خود را تربیت کنیم، تغییر بدهیم و تکامل ببخشیم، و برای حضور در جامعه و زندگی با اقتضات گوناگونی که دارد، آماده شویم، با مقاومت‌هایی در درون خود مواجه می‌شویم. مقاومت‌هایی که یا ناشی از تنوع امیال ماست و یا ناشی از تعارض خواسته‌های ما با شرایط بیرونی و موقعیت‌های ما.

از اینجا مبارزه با تمایلات و خواهش‌های نفسانی آغاز می‌شود. پس مقابله با دل‌خواهی‌ها یک رکن اساسی برای تربیت است و چون ماه رمضان با رایج‌ترین و ابتدایی‌ترین خواسته‌های انسان در تقابل است، لذا یک ماه تربیتی است.

چرا در دینداری، همیشه مجبوریم با امیال طبیعی خود مبارزه کنیم؟

اما در اینجا خوب است به یک سؤال اساسی جواب بدهیم: چرا در مسیر دینداری همیشه مجبوریم با امیال طبیعی خود مبارزه کنیم؟ اگر این امیال و کشش‌های طبیعی ما بد هستند، چرا خدا آنها را از اول، در وجود ما قرار داده است؟

این سؤال وقتی اهمیت فوق‌العاده پیدا می‌کند که ما می‌پذیریم گاهی اوقات آدم‌ها در اثر بد اخلاقی به چیزهایی علاقه‌مند می‌شوند که به ضرر دیگران است، یا حتی صریحاً آشکار است که به ضرر خودشان است، اینجا هیچ کس به انسان حق نمی‌دهد علاقهٔ خود را پیگیری کند. و این سؤال که چرا خدا چنین علاقه‌ای را در وجود ما قرار داده است، در ذهن انسان پررنگ‌تر می‌شود.

مثلاً اگر کسی علاقه به ضرب و شتم دیگران داشت و از این کار لذت می‌برد، نه تنها همه از او می‌خواهند که با خواست خود مبارزه کند، بلکه جلوی او را می‌گیرند و نمی‌گذارند او به خواستهٔ خودش برسد.

اما «مشکل آدم‌ها با دین» که باعث می‌شود نتوانند با دستورات دینی کنار بیایند، این است که اکثراً تصور می‌کنند «دین»، آنها را از «اموری» بازداشته‌است که آن‌چنان ضرری ندارند؛ و حتی در مواردی مانند روزه، فکر می‌کنند خوردن و آشامیدن، نه تنها ضرری ندارند بلکه ضروری هم هستند.

خدا هیچ‌گاه مخالف لذت بردن ما نیست

نکتهٔ مقدماتی که در پاسخ به این سؤال باید به آن اشاره کرد، این است که خدا هیچ وقت مخالف لذت بردن بندگان نیست و با راحت بودن و شادی بندگان خود نه تنها مخالفت ندارد، بلکه از بهره‌مندی بندگان خود از چنین مواهبی خرسند هم می‌شود. هر کسی هم که دنبال لذت، راحت و شادی است نباید خدا را مانع خود ببیند. خدا حتی ابتداءً هم تقسیم نمی‌کند که در این دنیا سختی بکش و در آن دنیا آسوده باش.

عوارض فردی و اجتماعی این تصوّر اشتباه:

غیر از اینکه این تصوّر، تصوّر اشتباهی نسبت به خدا است، باید گفت این روحیه و احساس که خدا مانع لذت بردن ما است، باعث خراب شدن رابطه ما با خدا هم می‌شود. نباید خدا را بخیل بدانیم. اینکه فرموده‌اند خدا نزد دل‌های شکسته است (۱) و یا خدا به محرومین عنایت دارد (۲)، اتفاقاً به همین دلیل است که اصل بر دل‌شاد بودن و بهره‌مند بودن است. به همین دلیل برای آنها به صورت‌های مختلف در دنیا و آخرت جبران می‌کند. (۳)

۱. یاد نکردن خدا در هنگام شادی

شاید به دلیل همین تصوّر غلط که فکر می‌کنیم خدا اصالتاً «محرومیت» را بیشتر می‌پسندد، است که هنگام شادی خود را از خدا دور می‌دانیم و یاد خدا نمی‌کنیم. و این، ارزش به یاد خدا افتادن ما را در هنگام غم هم کم می‌کند.

۲. دلگیر شدن از خدا

خیلی از گنهکاران به همین دلیل که فکر می‌کنند خدا با لذت بردن بندگانش مخالف است، قلباً از خدا و دین او ناراحت و دلگیر هستند و به همین دلیل هم گاهی به دین‌گریزی و حتی دین‌ستیزی هم کشیده می‌شوند.

۳. پدید آمدن تصوّر اجتماعی نادرست از دینداران

از نظر اجتماعی هم تصوّر غلطی از دینداران برای دیگران پدید می‌آید و یکی از دلایل مهم مورد تمسخر قرار دادن دینداران هم همین است. گاهی هم چنین تصویری موجب عقب‌ماندگی‌هایی در برخی از پیشرفت‌های مادی در جامعه دینی شده است.

علاقة خدا به لذت بردن ما، هم در دنیا، هم در آخرت

در مقابل، این نگاه خیلی ارزش دارد که بدانیم خداوند متعال دوست دارد بندگانش، هم در دنیا و هم در آخرت لذت ببرند. و بیشترین اجر یک کار خوب و ارزشمند را هم برای این قرار داده است که بتوانیم دل کسی را شاد کنیم (۴) و یا موجب راحتی و رسیدن دیگران به خواسته‌ها و دوست داشتنی‌هایشان بشویم. (۵) اصلاً بنای اولیه بر زجر کشیدن نیست. به همین دلیل است که در ماه رمضان وقتی گرسنه می‌شوی، خدا تحویل می‌گیرد، چه تحویل گرفتنی! (۶) چون بنا نبوده تو گرسنگی بکشی. این گرسنگی خارج از قاعده است.

نتیجه بی‌خبری از چرایی دستور دین به مقابله با نفس

بله، در این تردیدی نیست که بالاخره در دستورات دینی، مقابله با هوای نفس فراوان دیده می‌شود؛ که چرایی آن را توضیح خواهیم داد. اما چون از چند و چون ماجرا بی‌خبریم، دچار دین‌گریزی و یا لااقل بد دینداری کردن می‌شویم. بد دینداری کردن یعنی خیلی هم که آدم خوبی باشیم، تسلیم خدا می‌شویم، اما مشتاق خدا نمی‌شویم، و روش و راه رسیدن به خدا را نمی‌پسندیم. مثل احساس بعضی از پشت کنکوری‌ها.

الان در دبیرستان‌ها، دانش‌آموزهای پیش‌دانشگاهی باید برای قبول شدن در کنکور حسابی درس بخوانند تا بتوانند به دانشگاه بروند. بچه‌ها دانشگاه رفتن را دوست دارند، اما سختی عبور از کنکور و مقدمات آن را دوست ندارند. لایذ پیش خود می‌گویند: «چاره دیگری ندارم، باشد عیبی ندارد، باید تحمل کنم.» در این راه زجر می‌کشد. رقابیش به بازی می‌روند، اما او نمی‌رود و کف نفس می‌کند. اما گاهی غر هم می‌زند.

گاهی هم می‌گویند: «کاش کنکور نبود، بدون این‌همه سختی می‌رفتم دانشگاه، اینقدر سختی نمی‌کشیدیم.»

اگر چنین وضعیتی در دینداری پیش بیاید و کسی توأم با غرولند کردن عبادت کند، معلوم است که بهره‌چندانی نخواهد برد و جزء آدم‌های حداقلی خواهد بود. شاید هم بی‌برد و اساساً عطای دین را به لقایش ببخشد و برود.

خیلی از اوقات، توفیقاتی که از ما سلب می‌شود و یا شامل ما نمی‌شود، به‌خاطر همین حرف‌های ته‌دلی تلخی است که می‌زنیم و به آن اهمیتی نمی‌دهیم. خدا ته دل ما را هم می‌بیند. یک مدتی که این جور حرف‌های بد از ته دل عبور کند، خدا از انسان رو برمی‌گرداند. معلوم می‌شود ما با علم به فلسفه احکام الهی و با یا تهذیب نفس از بارهای اضافی، خود را آماده پذیرش دین نکرده‌ایم. باید مراقب باشیم که مبادا مصداق «كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (۷) قرار بگیریم.

* فهرست تفصیلی کتاب «شهر خدا» را می‌توانید در «پایگاه اطلاع رسانی نشر آثار و دیدگاه‌های حجت الاسلام پناهیان» به نشانی bayanmanavi.ir ببینید.

۱. «سَبِّلَ آيِنَ اللّٰهَ؟ فَقَالَ: عَيْدُ الْمُنْكَسِرَةِ قَلْوَهُمْ؛ از رسول خدا(ص) پرسیده شد که خدا کجاست؟ فرمود: در نزد دل‌های شکسته». الدعوات، ص ۱۲۰، ج ۲۸۲.

۲. رسول خدا(ص) فرمودند: «الْفُقَرَاءُ أَصْدِقَاءُ اللَّهِ؛ فقرا، دوستان خدا هستند». میزان الحکمه، ج ۱۰، ۱۶۰۰۷.

۳. امام صادق(ع) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَلْتَفِتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ شَبِيحًا بِالْمُعْتَذِرِ إِلَيْهِمْ فَيَقُولُ وَ عَزَّي وَجَلَّي مَا أَفْرَقْتُكُمْ فِي الدُّنْيَا مِنْ هَوَانٍ بِكُمْ عَلَيَّ وَ تَرَوُنَّ مَا أَسْتَعِبُّكُمْ الْيَوْمَ؟ خداوند در روز قیامت با نگاهی پوزش‌خواهانه به فقرا می‌نگرد، و می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند، که من شما را در دنیا از روی خواری و بی‌اعتنایی به شما فقیر نکردم. و امروز خواهید دید که (در جبران آن فقر) با شما چه رفتاری خواهم کرد. الکافی، ج ۲، ص ۲۶۱، باب فضل فقراء المسلمين، ح ۹۶. همچنین نگاه کنید به: میزان الحکمه، جلد ۱۰، باب ۳۳۳۴ – ۳۳۳۷.

۴. رسول خدا(ص) فرمود: بهترین کار در نزد خداوند، شاد کردن مؤمنین است؛ إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذْخَالُ السُّورِيِّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ. الکافی، ج ۲، ص ۱۸۹، باب ادخال السرور علی المؤمنین، ح ۴.

۵. امام صادق(ع) فرمود: یقیناً، در نزد خدا، برآورده ساختن حاجت مومن محبوب‌تر است از بیست حجی که در هر کدام از آنها صد هزار(دینار یا درهم هجده نخود) خرج شود؛ لَقَضَاءُ حَاجَةِ أُمَّرِيْ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ عَشْرِينَ حَجَّةً كُلُّ حَجَّةٍ يَنْفِقُ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ أَلْفٍ. الکافی، ج ۲، ص ۱۹۳، باب قضاء حاجة المؤمن، ح ۴.

۶. قال ابوالحسن الرضاع: نَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ وَ صَمْتُهُ تَسْبِيحٌ وَ دَعَاؤُهُ مُسْتَجَابٌ وَ عَمَلُهُ مُضَاعَفٌ وَ قَالَ إِنَّ لِلصَّائِمِ عِنْدَ إِفْطَارِهِ دَعْوَةً لَا تُرَدُّ؛ خواب روزه‌دار عبادت و سکوتش تسبیح و دعایش مستجاب و عملش دوجندان است. و نیز فرمود: روزه‌دار به هنگام افطار یک دعای مستجاب دارد. الدعوات، ص ۲۷، باب ۱، فصل ۲، ح ۴۵ و ۴۶.

۷. سوره محمد(ص)، آیه ۹: «ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَاجْتَبَأْ أَعْمَالَهُمْ؛ این به دلیل آن است که ایشان آنچه خدا نازل کرده است (قرآن و احکام و دستورات آن) را خوش نداشتند، پس خدا هم اعمالشان را تباه و بی‌اثر کرد.»

